

## حکم خرید و فروش ماهواره از نظر فقه

چکیده:

در مورد حکم خرید و فروش ماهواره ابتدائاً سه احتمال وجود دارد: 1- صحت و حلیت معامله 2- فقط بطلان معامله 3- بطلان و حرمت معامله. برای اینکه بدانیم کدامیک از این احتمالات صحیح است از شیوه‌ی استدلالی مقتضی و مانع استفاده می‌نماییم. در این شماره از مقاله بررسی می‌شود که آیا مقتضی صحت بیع ماهواره وجود دارد یا خیر.

کلیدواژه‌ها:

ماهواره، تهاجم فرهنگی، مکاسب محرمة، مدرنیته و فرهنگ غرب

مقدمه

در این مقاله به بررسی حکم خرید و فروش ماهواره می‌پردازیم. روش ما در این بررسی، استفاده از شیوه‌ی «مقتضی» و «مانع» است. یعنی ابتدا جستجو می‌کنیم که آیا مقتضی صحت چنین بیعی وجود دارد یا خیر. اگر وجود نداشت که بیع آن «باطل» می‌باشد اما اگر مقتضی صحت وجود داشته باشد نوبت به بررسی مانع می‌رسد. در این مرحله اگر مانعی برای صحت بیع ماهواره باشد بیع آن باطل و گرنه صحیح خواهد بود. البته در بعضی از موارد، مسئله از بطلان گذشته و به «حرمت» نیز می‌رسد.

سه احتمال برای حکم خرید و فروش ماهواره

ابتدائاً سه احتمال برای حکم خرید و فروش ماهواره متصور است: الف) صحت و حلیت ب) بطلان ج) بطلان و حرمت. نیاز به بیان نیست که تفاوت بطلان و حرمت در این است که اگر معامله‌ای فقط باطل بوده و حرام نباشد، معامله‌کننده‌ها بخاطر معامله‌گناهی را مرتکب نمی‌شوند بلکه فقط تصرف آنها در آنچه در معامله بدست می‌آورند حرام بوده و غضبی محسوب می‌شود چراکه مجوز شرعی برای این تصرف نداشته‌اند. اما اگر معامله‌ای علاوه بر بطلان حرام نیز باشد، خود همین خرید و فروش و معامله نیز دارای عقاب خواهد بود. گفتنی است در صورت اول (یعنی جایی که فقط بطلان باشد) اگر طرفین مصالحه کنند و به یکدیگر حق اجازه‌ی تصرف دهند، دیگر مسئله حرمت تصرف هم برطرف می‌شود و وجهی برای گناه و عقاب باقی نمی‌ماند. به هر حال لازم است که ما ابتدائاً بحث خرید و فروش ماهواره را از حیث «مقتضی» بررسی نماییم و سپس به فحص از موانع نیز بپردازیم و همانطور که ذکر شد حتی اگر در مرحله‌ی اول ثابت شود که مقتضی صحت وجود ندارد و معامله «باطل» است، بحث از موانع باز مفید خواهد بود زیرا ممکن است علاوه بر «بطلان»، «حرمت» نیز ثابت شود.

خوب است قبل از آغاز سخن پیرامون «مقتضی»، استفتائی از رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) را که پاسخ آن به همین شیوه‌ی «مقتضی و مانع» داده شده است را بیان نماییم:

سؤال:

آیا خرید و نگهداری و استفاده از دستگاه گیرنده برنامه‌های تلویزیونی از ماهواره جایز است؟ و اگر دستگاه گیرنده مجانی به دست انسان برسد چه حکمی دارد؟

جواب: «دستگاه آنتن ماهواره‌ای از این جهت که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های تلویزیونی است که هم برنامه‌های حلال دارد و هم برنامه‌های حرام، حکم آلات مشترک را دارد. لذا خرید و فروش و نگهداری آن برای استفاده در امور حرام، حرام است و برای استفاده‌های حلال جایز است. ولی چون این وسیله برای کسی که آن را در اختیار دارد زمینه دریافت برنامه‌های حرام را کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفاسد دیگری را نیز در بر دارد، خرید و نگهداری آن جایز نیست مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده حرام از آن نمی‌کند و بر تهیه و نگهداری آن در خانه‌اش مفسده‌ای هم مترتب نمی‌شود. لکن اگر قانونی در این مورد وجود داشته باشد باید مراعات گردد.» (رساله‌ی اجوبة الاستفتائات- سؤال 1213)

می‌بینیم که در پاسخ این استفتاء ابتدائاً فرموده‌اند از آنجا که ماهواره قابلیت استفاده‌های حلال را هم دارد پس فی نفسه دارای «مقتضی» صحت بیع می‌باشد. سپس از «موانع» سخن گفته‌اند و با ذکر موانعی از قبیل ایجاد مفسده یا خلاف قانون بودن، حکم به حرمت خرید و فروش آن نموده‌اند.

در این مقاله فقهی از همین روش برای بررسی حکم خرید و فروش ماهواره (چه گیرنده (receiver) و چه دیش ماهواره) استفاده می‌نماییم و در این شماره از مقاله به بررسی مقتضی و در شماره یا شماره‌های بعدی به بررسی موانع می‌پردازیم.

بررسی ادله‌ی مربوط به اثبات مقتضی صحت

قال الله تعالى: «أحل الله البيع» (بقره/275) و «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم» (نساء/29)

روی عن الصادق علیه السلام فی تحف العقول: «کل شیء یكون لهم فیہ الصلاح من جهة من الجهات فهذا كله حلال بیعه وشرائه

و امساكه و استعماله و هبته و عاريت» (وسائل ج 17 ص 83) یعنی «هرچیزی که وجه صلاح و منفعتی برای مردم داشته باشد، خرید و فروش و نگه داشتن و استفاده از آن و هبه دادن و عاریه دادن آن حلال است»

در دو آیه ی شریفه فوق اصل بیع و معامله ی با رضایت طرفینی از جانب شارع مقدس امضا شده است. به این ترتیب این آیات شریفه می توانند اثبات کننده ی مقتضای صحت هر بیعی باشند. یعنی برای اثبات اصل شرعیت و حلیت هر معامله ای کافی است بر آن عنوان «بیع» یا «تجارت توأم با رضایت طرفینی» صدق کند تا اجمالاً مقتضای صحت را داشته باشد.

اما در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است قدری مسئله وسیع تر می شود و ملاک داشتن مقتضای صحت، «دارا بودن منفعت و مصلحت» معرفی می گردد. به این ترتیب این روایت شریف مقید و مبین آیات مذکور محسوب شده و دایره ی اقتضای صحت و حلیت را محدودتر می نماید و علاوه بر رضایت طرفینی و صدق عنوان بیع یا تجارت، دارای منفعت بودن عوضین را هم برای داشتن اقتضای صحت معامله شرط می کند. پس تا وقتی که چیزی منفعتی نداشته باشد قابلیت بیع را ندارد و چنین بیعی را شارع مقدس امضا نفرموده است ولو که هیچ مفسده ای هم بر آن مترتب نشود.

اکنون برای تطبیق این روایت شریف بر موضوع خرید و فروش ماهواره لازم است پیرامون دو مورد تأمل نماییم:

الف) منظور از مصلحت و منفعتی که در کلام امام علیه السلام آمده چه میزان منفعت و چه نوع منفعتی است؟

آیا اگر منفعت چیزی بسیار اندک باشد و مفسده ی آن بسیار زیاد باشد مصداق کلام فوق است و مقتضای صحت بیع را دارد؟ مثلاً اگر کسی بخواهد از آلات موسیقی و قمار که از جنس چوب می باشند به عنوان هیزم استفاده کند آیا چنین بیعی میتواند صحیح باشد؟ به بیان دیگر: آیا برای اطلاق «دارای منفعت بودن» یک چیز، منفعت نوعی و شأنی ملاک است و یا منفعت شخصی؟

ب) آیا ماهواره دارای منفعت قابل اعتنای عقلانی می باشد یا خیر؟

در پاسخ به قسمت «الف» که به منزله ی کبرای قیاس برای قسمت «ب» می باشد، شیخ انصاری (ره) ابتدا می فرماید: «لا مانع من التزام جواز بیع کلّ ما له نفع ما» (مکاسب ج 1 ص 158) یعنی مانعی برای اینکه قائل بوجود مقتضای صحت بیع هرچیزی که نفع مختصری داشته باشد وجود ندارد. منظور ایشان این است که اگر ما باشیم و ادله ی عقلی و شرعی، حکم به جواز هرچیزی که نفع مختصری داشته باشد صحیح به نظر می رسد. اما چند سطر بعد ایشان می فرماید که اینجا اجماعی داریم که مانع حکم قبل می شود. اجماعی که اگر تأمل کنیم می بینیم که ظاهر بعضی اخبار نیز همین معنا را می رساند، اجماع بر منفعت حساب نشدن منافع نادره: «فالعامة في المسئلة الاجماع على عدم الاعتناء بالمنافع النادرة و هو الظاهر من التأمل في الأخبار ايضاً» (همان منبع) پس نهایتاً نظر شیخ اعظم این می شود که منفعتی می تواند مورد اراده ی طرفین معامله باشد و مقتضای صحت بیع گردد که منفعتی قابل توجه برای عقلا باشد، نه منفعتی نادر و خاص ولو مورد تأیید عقلا و حلال. روایت دیگری هم در این مورد هست (موضوع منفعت مطلقه را محدود می کند) که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ حَرَمَتْ عَلَيْهِمُ الشُّحُومُ فَبَاغَوْهَا وَ أَكَلُوا أَمْثَانَهَا» (عوالي اللئالي ج 1 ص 181) شیخ انصاری (ره) در مورد این روایت می فرماید که علیرغم اینکه پیه (دنبه) منافعی غیر از خوردن هم دارد و با اینکه آنچه که بر یهودیان حرام شده بود خوردن آن بوده است، در این روایت یهودیان به طور مطلق به خاطر خرید و فروش پیه لعنت شده اند درحالیکه ممکن است آنها یا بعضی از آنها پیه را برای مصرفی غیر از خوردن (مثل سوزاندن برای تولید نور و گرما) خرید و فروش کرده باشند. این نشان می دهد که «[حرم] ما یحرم منفعت الغالبه مع اشتماله على منفعة نادرة محللة» (مکاسب ج 1 ص 159) یعنی آن چیزی که منفعت غالبی آن حرام است، اگرچه منفعت نادر حلالی هم داشته باشد، حتی به خاطر آن منفعت حلال هم قابل خرید و فروش نیست و منفعت نادر در نظر شارع کالمعدوم می باشد لذا دیگر مقتضای ای برای صحت بیع وجود ندارد.

نتیجه ی این بحث این می شود که درست است که آلات قمار این کاربرد حلال را دارند که می شود از آنها به عنوان هیزم و ماده ی سوختنی استفاده کرد ولیکن چنین منفعت نادری (اگرچه حلال و عقلانی هم هست) مجوز بیع و شراء نمی باشد و روایت تحف العقول هم آن را شامل نمی شود، چنانچه شیخ (ره) در مورد شراب به این مطلب تصریح فرموده اند. (مکاسب ج 1 ص 159)

بعد از حل شدن بحث کبرای قیاس نوبت به بررسی بحث صغروی قیاس است. یعنی باید ببینیم که آیا ماهواره دارای منفعت حلال عقلانی می باشد یا خیر.

شکی نیست که ماهواره دارای منافع حلالی هم هست. برنامه های علمی، سرگرمی های حلال تلویزیونی، اخبار هواشناسی و .... لذا ما در این مورد بحثی نداریم، سخن ما در این است که آیا این منافع حلال در قیاس با منفعت اصلی ماهواره و برنامه های غالبی آن، منفعتی نادر محسوب می شود یا خیر. اگر این منافع نادر باشد، مقتضای صحت بیع را ندارد ولی اگر منافع معتدبه و قابل اعتنایی باشد، از لحاظ مقتضای مشکلی وجود ندارد و نوبت به بحث موانع می رسد.

این بحث مسلماً بحثی موضوعی است. تشخیص موضوع هم به عهده ی مکلف می باشد لیکن سیره ی فقهای عظام همواره بر این بوده است که در بسیاری از موارد موضوع شناسی نیز بحث می کرده اند پس خوب است ما هم به تبع ایشان قدری در این مورد صحبت نماییم. اتفاقاً مصداق شناسی در عصر کنونی بسیار بسیار لازم می باشد چرا که فقیه است که حکم و موضوع کلی را به خوبی و با همه ی ابعاد و جزئیاتش می شناسد لذا در بسیاری موارد تنها اوست که می تواند به درستی تشخیص دهد فلان شیء خارجی یا فلان فعل خارجی مصداق این موضوع کلی هست یا خیر. بنابراین لازم است از طرف فقهای عظام گروهی مأمور دیدن برنامه های مختلف ماهواره شوند و مجموعاً تشخیص دهند که آیا ماهواره دارای منفعت حلال قابل اعتنائی هست یا خیر.

بنده تا آنجایی که خودم بسته و گریخته برنامه های ماهواره ای را دیده ام و تا آنجایی که با کسانی که ماهواره دارند تعامل داشته ام و یک استقرائی در این مورد داشته ام به این نتیجه رسیده ام که ماهواره منفعت حلال قابل اعتنا ندارد. شاید این حرف برای شما قابل پذیرش نباشد و بفهمائید که این همه شبکه های مفید هست که می توان از آنها استفاده نمود مثل شبکه های استانی یا جام جم. همچنین شاید بفهمائید که در بسیاری از همان شبکه های غیرمجاز هم برنامه های مجاز و خوبی وجود دارد. بنده عرض می کنم که حرف شما صحیح است لیکن «نادر» بودن یک منفعت امری است که در «مقایسه» با منافع غالبی بدست می آید و نه در نگاه صرف به این منفعت. یعنی

باید ببینیم که آیا در عرف مردم منافع اینچنینی برای ماهواره منفعت نادر حساب می شود یا قابل اعتناء؟ آیا در عرف مردم کسی به این خاطر ماهواره می خرد یا خیر؟ به نظر می رسد که خیر، ماهواره کالائی است که عرفاً برای دیدن فیلم ها و سریال های مبتذل، دیدن «شو» ها و رقصها و یا گوش دادن به اخبار رسانه های دروغ پردازی چون بی بی سی خریداری می شود و نه دیدن برنامه های شبکه های استانی و مستندهای علمی! و با وجود وتکثیر شبکه های داخل کشور دسترسی به جام جم، مستندو... بسیار آسان است و قطعاً نیازی به ماهواره نیست.

در کلام امام خمینی (ره) نیز (علیرغم اینکه در زمان ایشان بحث ماهواره هنوز مطرح نشده بود) نکته ای قابل توجه پیرامون خرید و فروش چیزی که منفعت غالبی آن منافع حرام است به چشم می خورد:

«رادیو و تلویزیون دارای منافع حلال عقلایی و منافع حرام است از نظر اسلام، و جایز است انتفاع بردن از آنها به نحو حلال، از قبیل اخبار و مواعظ از رادیو و نشان دادن چیزهای حلال برای تعلیم و تربیت صحیح، یا نشان دادن کالاهای عجایب خلقت از بر و بحر از تلویزیون و اما چیزهای حرام از قبیل پخش غنا و موسیقی مطرب و اشاعه منکرات از قبیل پخش قوانین خلاف اسلام و مدح خائن و ظالم، و ترویج باطل، و ارائه چیزهایی که اخلاق جامعه را فاسد و عقاید آنها را متزلزل می کند، حرام و معصیت است. در جایی که استعمال این آلات در وجه حرام شایع و رایج است بطوری که استعمال حلال آن تقریباً غیر مقصود باشد اجازه نمی دهیم فروش و خرید آنها را مگر برای اشخاصی که هیچ استعمال غیر مشروع با آنها نکنند و نگذارند دیگری هم استعمال غیر مشروع کند.» (رساله توضیح المسائل مسئله 2889 و 2890)

به هر حال همانطور که عرض شد این بحث، بحثی مصداق شناسی است و جای آن قلت و قلت در آن بسیار است. رهبر معظم انقلاب در استفتائی که در ابتدای بحث آمد ماهواره را از آلات مشترکه دانسته اند یعنی ایشان قائل به وجود منفعت حلال قابل اعتنا برای آن هستند ولی به نظر می رسد شاید منافع حلال ماهواره منفعت نادره محسوب شود. خلاصه جای بحث و بررسی بیشتر و دقیقتر وجود دارد. به همین خاطر هم هست که شیخ انصاری (ره) می فرمایند: «الاشکال فی تعیین المنفعة النادرة و تمییزها عن غيرها، فالواجب الرجوع فی مقام الشک الى ادلة التجارة و نحوها» (مکاسب ج 1 ص 160) یعنی مشکل اساسی در این است که منفعت نادر را چگونه از منفعت قابل اعتنا تمییز دهیم؟ که راهکار درست در این مورد این است که به استناد به عمومیت عموماًتی مثل «اللا ان تكون تجارة عن تراض» حکم به صحت بیع مورد مشکوک نماییم. بنابراین اگر کسی برایش محرز شود که ماهواره منفعت حلال قابل توجهی ندارد که قطعاً بیع آن باطل می باشد ولی اگر قطع به وجود منافع حلال قابل توجه داشته باشیم و یا شک داشته باشیم که چنین منفعتی وجود دارد یا خیر، مقتضی حکم به صحت وجود داشته و نوبت به بحث از موانع می رسد.

#### نتیجه

در این مقاله به این نتیجه رسیدیم که برای اینکه خرید و فروش چیزی بخواهد صحیح باشد باید منفعت حلال قابل اعتنائی برای آن وجود داشته باشد. که در مورد ماهواره اگر همچون نویسنده قائل باشیم منفعت قابل اعتنائی عاقل پسندی برای آن وجود ندارد، حکم به بطلان خرید و فروش آن می کنیم؛ اما اگر همچون رهبر معظم انقلاب قائل به وجود چنین منفعتی باشیم مقتضی صحت خرید و فروش آن وجود دارد و لذا باید به بررسی موانع صحت پردازیم تا حکم نهایی مشخص گردد.

ادامه دارد ...

#### منابع

1. المکاسب ج 1 و 2 / شیخ مرتضی انصاری (ره) (مرتضی بن محمد امین انصاری) / مجمع الفکر الاسلامی / چاپ دوازدهم 1429 ه. ق
2. رساله اجوبة الاستفتائات / رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای / پیام عدالت / چاپ دوم 1389
3. رساله توضیح المسائل حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره / مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
4. وسائل الشیعة / شیخ حر عاملی / مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، 1409 هجری قمری
5. دعوالي اللثالي العزيزية في الأحاديث الدينية / ابن أبي جمهور، محمد بن زين الدين / دار سيد الشهداء للنشر 1405 / ق چاپ اول